



مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



ایران و چالش‌های زیست محیطی

میز تخصصی تحلیل مسائل روز

گروه مطالعات تحلیل مسائل روز

مرداد ۱۴۰۱

شماره ۵

نمای راهبردی

بیت‌المصیّب



مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



نویسنده: سمیه خداخواه آذر

میز تخصصی: تحلیل مسائل روز

تهیه شده در: گروه مطالعات تحلیل مسائل روز

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۱

نمای راهبردی

ایران و چالش‌های زیست محیطی



در این نما می خوانید

در ایران روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی سابقه‌ای یافته و جدی تر شده است.



تداوم روند تخریب محیط زیست، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط محور پرهزینه و زمانبر، روبرو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند.



ضرورت اتخاذ حکمرانی زیست محیطی در دستیابی به هدف حفاظت از محیط زیست و تحقق توسعه پایدار.





چکیده

زمین، آب، هوا و انسان بازوهای به هم پیوسته حیات هستند که باید در تعادل و هارمونی نگه داشته شوند. بر هم خوردن یکی از این بازوها همه چارچوب فلسفه زندگی روی زمین را برهم می‌زند. در این راستا بحران محیط‌زیست که امروزه به یک مسئله جدی و قابل تامل بدل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. در ایران نیز روند تخریب محیط‌زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است. بیشتر آمارهای نگران‌کننده مرتبط با محیط‌زیست ایران محصول برآیند موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های توپوگرافیک و سرزمینی ایران، کم توجهی به نقش جستارهای پایداری محیط در طراحی و اجرای سازه‌ها و فضاها، ناآگاهی عمومی و کم توجهی سازمان‌های دولتی است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت در آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی جدی، پرهزینه و زمانبر، رویارو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند.



فهرست

- ۱ یافته‌های کلیدی
- ۲ مقدمه
- ۳ بخش اول: چالش‌های زیست محیطی ایران
- ۵ امنیت زیست محیطی
- ۶ تهدیدات محیط‌زیستی به مثابه تهدیدات امنیتی غیر سنتی
- ۷ ضرورت توجه به امنیت زیست محیطی ایران
- ۸ بخش دوم : حکمرانی محیط زیست: چالش‌ها و فرصت‌ها
- ۸ مسئله محیط‌زیست؛ طراحی مدل حکمرانی محیط زیست
- ۹ بخش سوم : کلان روندها، عدم قطعیت‌ها و سناریوهای محتمل محیط زیست ایران
- ۱۱ عدم قطعیت‌ها
- ۱۱ سناریوها:
- ۱۲ جمع‌بندی و تجویز راهبردی
- ۱۲ جمع بندی
- ۱۳ تجویز راهبردی



یافته‌های کلیدی

- در ایران روند تخریب محیط‌زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است.
- تداوم روند تخریب محیط‌زیست، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط محور پرهزینه و زمانبر، رویارو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند.
- عوامل زیست محیطی همچون تأمین انرژی و دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، ریزگردها، بیابان‌زایی، خشکسالی، تغییرات آب و هوا، افزایش جمعیت و مهاجرت در ایجاد تنش، واگرایی، برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی دارند.
- ضرورت اتخاذ حکمرانی زیست‌محیطی در دستیابی به هدف حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار.
- حکمرانی متناسب با محیط زیست دارای ویژگی‌های مهمی است که بخشی از آنها عبارتند از: جامع‌نگری، رعایت پایداری سرزمینی، دارای رسانه‌های زیست‌محیطی با نقش فعال، تعامل فزاینده و مثبت دولت و نهادهای مدنی و افزایش رضایتمندی اجتماعی.



مقدمه

محیط‌زیست یکی از بسترهای داغ بحث‌های روز جهانی است و ضرورت بقاست که انسان را واداشته روی این واژه تاکید کند و آن را چون یک بحث سیاسی-اجتماعی جدی بگیرد، تا با جلوگیری از برهم خوردن هارمونی نظام طبیعت حاکم بر زمین، ناجی زمین و موجودات آن باشد. زمین، آب، هوا و انسان بازوهای به هم پیوسته حیات هستند که باید در تعادل و هارمونی نگه داشته شوند. بر هم خوردن یکی از این بازوها همه چارچوب فلسفه زندگی روی زمین را برهم می‌زند. در این راستا بحران محیط‌زیست که امروزه به یک مسئله جدی و قابل تامل بدل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. امروزه این خطر وجود دارد که انسان، زمین سکونت‌گاه و کشت پذیر خود را به نابودی بکشاند. به طوری که گستردگی و اهمیت این موضوع، توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است.

گستره و ژرفای فرسایش محیطی در قالب تخریب محیط‌زیست، گرمایش زمین و گسترش انواع بیماری‌های نوپدید و بازپدید، کشمکش بر سر منابع در مقیاس‌های مختلف (فرومی، ملی و فراملی) طی چند دهه اخیر، جستارهای اکولوژیکی و محیط‌زیست را از پرکاربردترین واژگان حوزه سیاست، امنیت، بهداشت و معیشت قرار داده است، به‌گونه‌ای که طی این مدت شاهد آفرینش ادبیاتی نو در قالب واژگان و عبارت‌هایی همانند توسعه پایدار، امنیت زیست محیطی، ژئوپلیتیک زیست محیطی، امنیت فراگیر و مانند آنها بوده‌ایم.

در ایران روند تخریب محیط‌زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت در آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی جدی، پرهزینه و زمانبر، رویارو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند. همچنین با گستردگی مفهومی و فزونی در ابعاد امنیت، جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات گوناگونی مواجه است که در این میان تهدیدات زیست محیطی با جلوه‌هایی همچون بحران کم‌آبی، طوفان ریزگردها، آلودگی هوا، فرسایش خاک در پی بیابان‌زایی و تخریب مراتع و جنگل‌زدایی، از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. به همین جهت پیشگیری، مقابله و پاسخگویی به جوانب احتمالی این دغدغه‌های امنیتی ضرورت می‌یابد. از این‌رو، لازم است مهم‌ترین پیشران‌ها و چالش‌های زیست محیطی ایران، شناسایی و برابر آن زمینه دستیابی به توسعه پایدار و حفظ امنیت، فراهم شود.



بخش اول: چالش‌های زیست محیطی ایران

در ایران روند تخریب محیط‌زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است. بیشتر آمارهای نگران‌کننده مرتبط با محیط‌زیست ایران نتیجه کنش متقابل و اثر همزمان و مگامتعاقب موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی، اجرای سازه‌ها و فضاها بدون توجه به مؤلفه پایداری محیط، ناآگاهی عمومی و کم‌توجهی سازمان‌های دولتی است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت، دست کم در دو دهه آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط محور پرهزینه و زمانبر، رویارو خواهد کرد.

در این زمینه توجه به نتایج حاصل از پژوهش‌های کمی و کیفی در مورد شرایط زیست محیطی ایران، به ویژه پژوهش‌های بانک جهانی و دانشگاه ییل در خور توجه و مؤید وخامت وضعیت عوامل زیست محیطی است. اعلام شاخص جهانی عملکرد زیست محیطی سال ۲۰۱۳ که به صورت دوره‌ای توسط این دانشگاه منتشر می‌شود، گویای آن است که ایران بین ۱۳۲ کشور جهان با کسب میانگین امتیاز ۴۲/۷۳ در مقام ۱۱۴ قرار گرفته است. این در حالی است که کشور ما در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۶۷ جهان و در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۷۸ قرار داشته است. نکته قابل توجه آن است که هیچ کشوری در بین دو اندازه‌گیری متوالی بیش از ۳۰ پله تنزل نکرده اما ایران در پایش اخیر ۳۶ پله تنزل داشته است. در ادامه به مهمترین چالش‌های زیست محیطی ایران اشاره می‌شود.



جدول ۱: چالش‌های زیست محیطی ایران

افت کمی و کیفی، و بحران منابع آب کشور	چالش‌های زیست محیطی ایران
پدیده گرد و غبار (ریزگردها)	
آلودگی شدید هوا در کلانشهرها	
نابودی و خشک شدن تالاب‌ها	
افزایش فرسایش خاک و بیابان‌زایی به دلیل تخریب جنگل‌ها و مراتع	
خشکسالی‌های ادواری و آسیب‌پذیر شدن محیط‌زیست کشور به این پدیده	
مصرف بی‌رویه انرژی و انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای	
فرونشست زمین در نتیجه افت آب در سفره‌های زیرزمینی	
نابودی و ویرانی بخشی از گونه‌های ارزشمند گیاهی و جانوری	
افزایش قابل ملاحظه تولید ضایعات و پسماندهای شهری و صنعتی	
تغییر کاربری اراضی مستعد جنگلی و کشاورزی و تبدیل آنها به سایر کاربری‌ها	
افزایش آلودگی آب، هوا و خاک	
مسئله آب شیرین‌کن‌ها	
آلودگی دریای خزر و خلیج فارس (گونه مهاجم، توسعه ناپایدار مناطق ساحلی، آلودگی‌های نفتی، احداث جزایر مصنوعی، کشند قرمز)	
آلودگی‌های رادیو اکتیو ناشی از توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای	



نمودار ۱: بحران‌های با منشأ حوزه آبی کشور



امنیت زیست محیطی

به گفته *استفان والت* مطالعات امنیتی به‌عنوان مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تعریف می‌شود و شرایط و روش‌هایی را که نیروی نظامی ایجاد می‌کند و بر افراد و جوامع تأثیر گذار است، به ویژه سیاست‌هایی که دولت‌ها در پیش می‌گیرند تا مقدمات جلوگیری از جنگ با درگیر شدن در آنرا فراهم آورند مورد بررسی قرار می‌دهد. *بری بوزان* مطالعات امنیتی را گسترده‌تر از آنچه *والت* بیان کرده تعریف می‌کند. *بوزان* با وارد کردن عنصربخشی و توسعه ابعاد امنیت و نیز وارد کردن امنیت اجتماعی به حوزه مباحث امنیتی، امنیت را صرفاً در محور نظامی خلاصه نمی‌کند و مطالعات امنیتی را به پنج بخش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی توسعه می‌بخشد.

در حقیقت با سیر تحولات حادث شده در سال‌های پس از جنگ سرد شاهد طرح دیدگاه‌های کلان‌تری در حوزه امنیت هستیم که موضوع محوری این دسته از مطالعات امنیتی «اصل تحول و تغییر محیط امنیتی»، «تحول پارادایم مطالعات امنیتی» و بالاخره پرسش از چیستی پارادایم تازه‌ای است که حاکم خواهد شد. براین‌اساس، مطالعات امنیتی برای اینکه بتواند همچنان جایگاه خود را در حوزه دانشگاهی حفظ نماید، مجبور شده تا از تمرکز سنتی خود بر تهدید، کاربرد و مدیریت، نظامی صرف احتراز جسته، با تجربه نمودن برخی از تحولات بنیادین، به ابعاد و ملاحظات تازه‌ای در تعریف امنیت، دست یابد. در همین دوران است که شاهد گستردگی موضوعات امنیتی (طرح مسائل تازه‌ای از قبیل تروریسم، ایدز، قاچاق مواد مخدر، نابودی منابع طبیعی، گرمای زمین، انفجار جمعیت، آلودگی آب و هوا، سوراخ شدن لایه ازن، باران‌های اسیدی و...) هستیم. در واقع، پایان جنگ سرد، سبب تغییر در مطالعات و تحلیل امنیت و نظام جهانی از چارچوب سنتی به رویکرد غیرسنتی شد.



تهدیدات محیط‌زیستی به مثابه تهدیدات امنیتی غیر سنتی

چنان‌که گفته شد تا اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوعات نظامی (سخت/ سنتی) کانون مباحث امنیتی به شمار می‌رفت؛ به عبارتی، نگرش تقلیل‌گرایانه به امنیت حاکم بود و امنیت بر اساس شاخص‌هایی همچون توانمندی نظامی، برقراری صلح پس از جنگ و در چارچوب امنیت سرزمینی مقاومت در برابر تجاوز خارجی، حفظ استقلال ملی و... جستجو می‌شد. این برداشت از امنیت که در چارچوب مکتب واقع‌گرایی سنتی تفسیر می‌شد بر دو فرض بنیادی استوار بود، نخست، اغلب تهدیدات ضدامنیتی خاستگاهی برون مرزی دارند، دوم، اغلب تهدیدات سرشتی نظامی دارند و عموماً نیز مستلزم پاسخی نظامی هستند.

بدین ترتیب تحولات خاص سیاسی و راهبردی پس از پایان جنگ سرد، در تغییر محیط امنیتی تأثیر به‌سزایی داشت به‌گونه‌ای که تهدیدات، تعریف و مصادیق تازه‌ای یافتند و نگرش سنتی به ویژه تهدید ناشی از رقابت دو ابرقدرت به‌شدت به چالش کشیده شد، بر این اساس در سطح کلان، دسته بندی موضوعات امنیتی در دو طیف برجسته شد:

۱. موضوعات سنتی، شامل بسیاری از مسائل امنیتی که اکنون ذهن سیاستگذاران و تحلیل‌گران را به خود مشغول کرده است و تا اندازه‌ای با علایق و رویه‌های گذشته درباره امنیت ملی همخوانی دارد. موضوعاتی مانند ملت‌گرایی و منازعات قومی، تولید و تکثیر سلاح‌های تخریب‌گسترده جمعی، ثبات نظامی، سیاسی و منطقه‌ای و ... در معادلات امنیتی در این دسته جای می‌گیرند.

۲. موضوعات غیرسنتی موضوعاتی از قبیل مسائل زیست‌محیطی، وضعیت اقتصادی، سازمان‌های جنایی فراملی و چندملیتی، فرار مغزها، مهاجرت و... است که به‌طور پیوسته از اهمیت افزون‌تری نسبت به موضوعات سنتی برخوردار می‌شوند. افزایش اهمیت این مسائل جدید نه فقط بازاندیشی در تهدیدات امنیتی بلکه تجدید نظر درباره خود مفهوم امنیت را نیز ضروری می‌سازد.

از این رو و با توجه به تحولات محیطی و گفتمانی که پدید آمده‌اند، امروزه تهدیدات غیرنظامی در مقایسه با تهدیدات نظامی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار شده‌اند. در این زمینه، برخی از رویکردها همچون رویکرد زیست‌محیطی، غیر سنتی‌تر به حساب می‌آیند و برخی چون رویکرد اقتصادی اگرچه دارای پیشینه تاریخی هستند اما امروزه رنگ و ماهیتی تازه یافته‌اند که طرح آنها را در ذیل عنوان کلی رویکردهای غیرسنتی توجیه می‌کند. بر همین مبنا رهیافت اقتصادی و رویکرد زیست محیطی هرچند قبل از این به‌عنوان بعدی از مفهوم توسعه یافته امنیت مدنظر بوده، اما امروزه با توجه به اهمیت‌شان تبدیل به یک منظره شده‌اند که بازتعریف امنیت را سبب شده‌اند.



در واقع پایان جنگ سرد با روند جهانی شدن همراه شد و در این میان تخریب محیطی^۱ دریچه نوینی به جستار امنیت گشود؛ محیط‌زیست در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفت و عامل بالقوه کشمکش‌های سیاسی شناخته شد. به عبارت دیگر پس از جنگ سرد، نگرانی عمومی درباره امنیت زیست‌محیطی و کشمکش بر سر منابع، بخش زیادی از متون علمی و مباحث سیاسی-امنیتی را به خود اختصاص داد.

ضرورت توجه به امنیت زیست محیطی ایران

کشورها در تلاش هستند تا روندهای آتی پیش روی خود را شناخته و نسبت به برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و تدوین راهبردهای بهینه اقدام کنند. آنچه این نیاز را برای جمهوری اسلامی ایران دو چندان می‌سازد این است که با توجه به ماهیت مستقل ایران و همچنین به چالش طلبیدن هنجارهای اساسی نظام بین‌الملل و الزامات ناشی از تحقق برنامه‌های پیش بینی شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ج.ا. ایران نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی آینده خود است. این در حالی است که سند چشم‌انداز استلزامات خاص و امنیتی مهمی را پیش رو و در خود نهفته دارد. ابعاد امنیتی سند چشم‌انداز در پنج رهیافت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محلی و نظامی قابل تفکیک است. از سوی دیگر، تحقق سند چشم‌انداز هم خود مستلزم نگاهی چندجانبه به مقوله امنیت است. تنها در یک نمونه می‌توان ادعا کرد که زمینه‌های پیوسته با «امنیت زیست محیطی» اثری مستقیم بر روند کسب جایگاه نخست منطقه‌ای ایران خواهد داشت. ایران به‌عنوان یک کشور منطقه‌ای تأثیرگذار، برای پیش رفتن با تحولات موجود در عرصه بین‌المللی نیازمند واریسی و کنکاش تحولات اطراف خود، در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی است و این مسئله ضرورت مقابله با موانع و چالش‌های احتمالی آن را ضروری می‌سازد. واکنش به بحران زیست محیطی در حال گسترش فراگیر بوده و اشکال گوناگونی پیدا کرده است. ایران همواره در معرض تهدیدات زیست محیطی قرار داشته است. عوامل زیست محیطی همچون تأمین انرژی و دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، ریزگردها، بیابان‌زایی، خشکسالی، تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت و مهاجرت در ایجاد تنش، واگرایی، برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی دارند. با توجه به اهمیت محیط‌زیست به عنوان یکی از نیازهای اساسی جوامع امروزی برای بقاء در محیط به‌شدت رقابتی و متغیر، دو نکته مهم در آینده محیط‌زیست ایران باید مورد توجه قرار گیرد؛

۱. شناسایی عوامل تأثیرگذار مستقیم در محیط‌زیست ایران،
۲. شناسایی عوامل محلی و پیشران تغییرات محیط‌زیست ایران.

^۱ Environmental Degradation



بخش دوم: حکمرانی محیط زیست: چالش‌ها و فرصت‌ها

در دیدگاه برساخت‌گرایی، مسائل اجتماعی، مستقل از ذهن کارگزاران اجتماعی وجود ندارند. کارگزاران هستند که مسئله‌ای را بزرگ جلوه داده و از کنار مسئله‌ای دیگر به سهولت عبور می‌کنند. بنابراین مشکلات جامعه برای تبدیل شدن به مسئله اجتماعی با یکدیگر در رقابت هستند. از این منظر مسائل اجتماعی شرایط عینی نیستند، بلکه تعاریف ذهنی به‌شمار می‌آیند. دیدگاه‌های دیگر، بر این باورند که شرایط عینی، مستقل از آگاهی ما وجود دارند و ما چیزهایی که در جهان وجود دارند را کشف می‌کنیم و می‌آموزیم که چگونه آنها را بشناسیم. اما برساخت‌گرایی این ایده را مطرح می‌کند که ما چیزی بیش از شناخت جهان انجام می‌دهیم، در واقع ما جهان را می‌سازیم. دیدگاه‌های برساخت‌گرایی ما را به اندیشیدن در باب اینکه «چگونه جهان مادی ما توسط انسان‌ها شکل و معنا یافته است»، برمی‌انگیزند.

برای مثال در مواجهه با جنگلی که مانعی برای ساخت یک بزرگراه است، می‌توان جنگل را نشان دهنده میراث طبیعی ملت یا محلی مورد علاقه دانشمندان و طبیعت‌دوستان و یا تنها مانعی بر سر اجرای کارآمد و سریع پروژه راه‌سازی تلقی کرد. بنابراین معنا یا هستی جنگل نزد ما، به نظام مشخصی از گفتمان‌ها یا تفاوت‌هایی وابسته است که هویت آن را برمی‌سازند. بنابراین در مثال جنگل، هریک از ساختارهای گفتمانی اعم از گفتمان نوسازی (مدرنیزاسیون) اقتصادی یا گفتمان‌های زیست‌محیطی، سازه‌هایی اجتماعی-سیاسی هستند که نظامی از روابط میان روال‌های متفاوت را برقرار و تثبیت می‌کنند.

در این راستا تحلیل گفتمان قوانین محیط‌زیستی ایران (قوانینی که در آن نسبتی بین دو مفهوم «توسعه» و «محیط‌زیست» وجود دارد) حاکی از این است که در گفتمان جمهوری اسلامی این دو مفهوم متناقض ارزیابی شده است و این موضوع باعث شده است که در مورد محیط‌زیست در وضعیت کنونی باشیم. در گفتمان موجود، یک روند گفتمانی ثابت هم وجود ندارد و مسائل تنها هنگامی که تبدیل به بحران شدند وارد فرایند قانونی شده و مورد توجه قرار گرفته‌اند. در واقع ما شاهد نوعی اعوجاج در تمام قوانین مرتبط با محیط‌زیست هستیم و آنچه از تحلیل گفتمانی قوانین برمی‌آید این است که قوانین کشور در مورد مسئله محیط‌زیست دچار خلال‌های آشکار هستند.

مسئله محیط‌زیست؛ طراحی مدل حکمرانی محیط زیست

نکته‌ای که در این بخش قابل طرح است، این است که از یک‌سو شاهد برساخت دوگانه «انسان» و «محیط» هستیم و از سوی دیگر، مسئله محیط زیست در آستانه بحران‌های سیاسی و اجتماعی است. یکی از راه‌حل‌هایی که می‌تواند به مرتفع شدن مسئله محیط‌زیست کمک کند، پرداختن به موضوع «حکمرانی محیط‌زیست» است.



در این راستا تلاش برای عملیاتی سازی «حکمرانی محیط‌زیست» با رویکرد بین‌رشته‌ای، تلاشی برای پر کردن بخشی از این خلاهای موجود است. هدف از این کار، افزایش احتمال تحقق اهداف حکمرانی محیط‌زیست برای نیل به پایداری، سازگار با جایگاه و ویژگی‌های بومی اسلامی ایرانی و الهام گرفته از انباشت دانش و تجربه جهانی است. از آنجا که نگاه تک‌بعدی به مسئله محیط‌زیست مشکل‌زا بوده و به تعارضات دامن زده است. در این فرایند تصویری منسجم، یکپارچه و فرارشته‌ای به‌مثابه یک کل واحد ارائه می‌شود. همچنین تلاش بر این است تا به چالش‌های مختلف در سطح دولت، جامعه مدنی و صنعت پرداخته شود و آینده‌گری وارد بخش اصلی موضوع محیط‌زیست شود. محورهای اصلی این فرایند شامل؛

- مدل مفهومی (رابطه‌ای، کارکردی) با هدف ایجاد چرخه کارآمدی : شناخت مسئله، طراحی پاسخ و ایجاد زمینه یا محیط مناسب عملکرد.
 - تحقق کامل منوط به فهم فلسفه طرح، عزم ملی، مدیریت کارآمد، تعاملات گسترده درون سامانی و برون سازمانی و ایجاد و بازنگری اساسی در مشوق‌های معنوی و مادی در راستای پیشبرد اهداف طرح.
 - تمایز اصلی این ایده، دیدگاه کلان و جامع‌نگر حکمرانی است که خود مستلزم پیوندی پویا میان همه پارادیم‌های معرفتی و بخش‌های اجرایی، نگاهی برابر به حل همه چالش‌های موجود در جامعه مدنی، صنعت و دولت، برای نیل به هدف توسعه پایدار ملی و از رهگذر سازوکار مبتنی بر «هسته گفتمان محور» است.
 - تلاش برای کمک به شکل‌دهی به سیاست‌های کلان و قوانین بالادستی به کمک اتاق‌های فکر یا همان اندیشکده‌ها (مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی و...).
 - در این فرایند تلاش بر این خواهد بود که افراد مؤثر شرایط یکسانی در دسترسی به ساخت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای تأثیرگذاری در جامعه داشته باشند.
- کسانی که قرار است وارد مبحث حکمرانی محیط‌زیست شوند برای رفع چالش‌های موجود می‌آیند. این فرایند با سایر بخش‌های مرتبط با محیط‌زیست همگرایی ایجاد می‌کند و تلاش می‌شود تا هسته‌های فکری تشکیل شود و تعارضات موجود را حل کنند که خود نیازمند یک رابطه پویا و دوسویه است.

بخش سوم : کلان روندها، عدم قطعیت‌ها و سناریوهای محتمل محیط زیست ایران

کلان روندهای زیست محیطی ناظر بر محیط کلی ایران در سه سطح قابل بررسی هستند:

- جهانی



- منطقه‌ای
- داخلی

۱. در سطح جهانی بیشتر توجه‌ها به مبحث ۱. گرمایش زمین ۲. افزایش جمعیت ۳. کمبود آب است.
۲. در سطح منطقه‌ای شاهد گذار از منطقه‌ای شکل گرفته تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ به سمت منطقه‌ای که تحت تأثیر مسائل زیست‌محیطی ساخته می‌شود؛ هستیم. یکی از برسانندگان اصلی منطقه غرب آسیا عوامل «زیست محیطی» هستند، که می‌تواند در نقش عوامل ناظر بر واگرایی یا عوامل همگرا کننده ظاهر شوند. در مقام عامل همگرا کننده: شاهد تفوق زیست بوم بر ژئوپلیتیک هستیم و در زمینه عوامل واگرا کننده: شاهد تفوق ژئوپلیتیک بر زیست بوم هستیم.
۳. داخلی : شاهد تفوق گفتمان ناسازگار با زیست بوم هستیم مانند:
 - تفوق تفکر سازه‌ای توسعه بر تفکر زیست بوم محور
 - تفوق تفکر مهندسی کوتاه مدت برای استفاده از منابع
 - فشار فقر و توسعه نیافتگی بر محیط‌زیست
 - سیاست فشار جمعیت بر محیط‌زیست ایران (طبق برآوردهای علمی از ظرفیت زیستی ایران و نیز با در نظر گرفتن وضعیت و شاخص‌های اقلیمی، در صورتی می‌توانیم جمعیت موجود و بیشتر را تحمل کنیم که به کشوری کاملاً صنعتی تبدیل شده و در صنایع دارای فناوری پیشرفته (های‌تک)^۲ سرمایه‌گذاری کنیم.
 - جایگزینی سیاست بقا به‌جای سیاست ارتقا در کشور
 - فقدان تفکر بلند مدت و آینده‌نگر در حوزه محیط‌زیست
 - افزایش فشار سیستمی محیط بین‌الملل به کشور: مانند ضربه تحریم‌ها بر محیط‌زیست ایران
 - کالایی شدن محیط‌زیست
 - ناتوانی در حوزه روندهای محیط‌زیست
 - تضعیف طبقه متوسط (به لحاظ اقتصادی) به عنوان حامیان گفتمان محیط‌زیست
 - تضعیف شدن نهادها و تشکل‌های محیط‌زیستی: تشکل‌زدایی از حوزه محیط‌زیست به دلیل نگاه امنیتی و بقا محور.
 - تفوق گفتمان خودکفایی و خوداتکایی در معنای سنتی که در مواردی ارتباطات سازنده با محیط خارجی را با موانعی روبرو می‌کند.

^۲ High-Tech



- روند وابستگی فزاینده توسعه کشور به زیست بوم: جایگزینی انتقال بار توسعه به حوزه‌هایی مانند خدمات، گردشگری و...
- نهادهای حکمرانی کژکارکرد در زمینه محیط زیست.

عدم قطعیت‌ها

- مهم‌ترین عدم قطعیت‌های موجود و قابل ارزیابی در زمینه محیط زیست ایران عبارتند از:
- سطح و شدت گرمایش زمین به‌ویژه در زیست بوم غرب آسیا
 - تفوق پویایی واگرایی یا همگرایی منطقه‌ای
 - سطح و عمق حرکت صنعت، خدمات و کشاورزی به سمت سازگاری با محیط‌زیست (توجه یا عدم توجه به این موضوع)
 - کربن‌زدایی از محصولات و فراورده‌های مصرفی و صادراتی.
 - توجه یا عدم توجه به سطح و عمق تشکل زدایی در زمینه محیط زیست؛ زیرا تشکل‌های زیست‌محیطی بازوی مهمی در حوزه حکمرانی محیط‌زیست محسوب می‌شوند.
 - حرکت از گفتمان اقتصادی بقا محور به گفتمان اقتصادی توسعه محور.
 - میزان استفاده از ظرفیت‌های فناوری جهان؛ که خود مستلزم اتصال به زنجیره ارزش جهانی دست‌کم در برخی حوزه‌های مرتبط با محیط زیست است.
- دو عدم قطعیت کلیدی ناظر بر ترسیم آینده‌های بدیل حوزه زیست محیطی عبارتند از:
- سطح و عمق حکمرانی محیط‌زیستی در کشور؛
 - تغییرات سیستماتیک در حوزه تغییرات اقلیمی.

سناریوها:

برآیند نااطمینانی‌های کلیدی در زمینه محیط زیست و نیز نیم‌نگاهی به پیشران‌های کلیدی در زمینه محیط زیست گویای آن است که بدو می‌توان از چهار وضعیت کلی و محتمل در این زمینه سخن گفت: نخست؛ اگر شاهد تقویت گفتمان زیست‌محیطی باشیم و تغییرات زیست‌محیطی کم‌شتاب‌تر شود: «ایران پایدار و توسعه یافته» آینده قابل اتکا و مورد انتظار طی سال‌های آتی خواهد بود.

دوم؛ اگر تقویت حکمرانی زیست‌محیطی اتفاق افتد اما در عین حال شاهد تشدید تغییرات سیستمی باشیم: «ایران تاب‌آور» محتمل‌ترین تصویر از آینده خواهد بود. در واقع در این وضعیت به‌واسطه تقویت گفتمان زیست‌محیطی در کشور و سطوح مخلف حکمرانی، کشور می‌تواند در مقابل تغییرات منفی زیست محیطی سطحی از تاب‌آوری را ایجاد کند.



سوم؛ تغییرات سیستمی همچنان ادامه داشته باشد و شاهد تضعیف گفتمان محیط‌زیست باشیم؛ وضعیت آستانه «زوال تمدنی» در حوزه ایران را شاهد خواهیم بود. و بالاخره چهارم؛ کم شتاب شدن تحولات زیست‌محیطی و تضعیف گفتمان زیست‌محیطی؛ وضعیت چهارمی را با مختصات کلی حرکت پیش‌ران‌های تمدنی در جهت منفی و با سرعت کمتر بر خواهد ساخت که در قالب گزاره «هشدار نسبت به زوال تمدنی قابل بررسی است».

جمع‌بندی و تجویز راهبردی

نگرش کل‌گرایانه به مسئله محیط زیست و پرهیز از بخشی‌نگری، در عین باور به قریب الوقوع بودن وضعیت بحرانی در بسیاری از حوزه‌های زیست محیطی مهمترین گزاره‌های ناظر بر مدیریت وضعیت محیط زیست، چالش‌ها و مسائل پیش روی آن در آینده هستند.

جمع بندی

داده‌های آماری و یافته‌های پژوهش‌های درباره چگونگی محیط‌زیست ایران گویای تشدید روند بی‌توجهی به محیط‌زیست، از بین رفتن تنوع زیستی و تخریب و فرسایش محیطی در بخش‌های مختلف کشور است که تداوم آن در چند سال آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرهزینه روبه رو خواهد ساخت. به همین دلیل به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت روزافزون موضوعات زیست‌محیطی لزوم بازنگری در تعریف امنیت در نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور بیش از گذشته ضرورت یافته است. آن‌چه که در این گزارش مورد بحث قرار گرفت، وجود وضعیت‌های محیط‌زیستی است که هر کدام، توانایی امنیتی شدن و در نتیجه تحمیل هزینه بر کشور را دارا هستند. در حقیقت چنان‌چه در مسائلی همچون کم آبی که به شدت امنیت کشور را متأثر ساخته و همچنین در پدیده ریزگردها که، به خطر افتادن سلامت شهروندان، مهاجرت و بیکاری و در نهایت فشار بر دولت را در پی دارد؛ به ماهیت امنیتی این بحران‌ها به‌عنوان بستری برای ایجاد ناآرامی، شورش، و نقض امنیت انسانی و سلامت شهروندان و در نهایت تهدید امنیت ملی توجه نشود، به نقطه بدون بازگشت خواهیم رسید. در حقیقت در چنین وضعیتی با توجه به ماهیت موضوعات و تهدیدات غیرسنجی، منشاء تهدید نه حمله نظامی و جنگ از بیرون، بلکه ناکارآمدی داخلی، عدم سیاست‌گذاری‌های صحیح و آینده‌نگرانه خواهد بود.

از سویی دیگر، فقدان نگاه معطوف به امنیت زیست‌محیطی، در دهه‌های گذشته به‌خوبی مشهود است. چنان که اگر در گذشته متولیان امور و دست‌اندرکاران حفاظت از محیط‌زیست، مسلط به چنین نگاهی بودند، امروز به‌جای اطلاق واژه بحران به این رویدادهای طبیعی، اثرات آن تحت کنترل درآمده، محدود شده، راهکارهایی برای آن اندیشیده شده و کشور در جهت نیل به توسعه پایدار چنان که در اسناد بالادستی بارها اشاره شده



گام برمی‌داشت. توسعه پایدار کشور مرهون بهره‌برداری مناسب از امکانات آب، خاک، منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود نیروی انسانی و به عبارتی، حفاظت از محیط‌زیست است. لذا، لازم است کشورمان با تأکید بر حفظ محیط‌زیست در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار که در واقع همان اهداف سند چشم‌انداز است گام‌های مؤثری بردارد.

تجویز راهبردی

- **اتخاذ رویکرد «حکمرانی متناسب با محیط زیست»:** حکمرانی متناسب با محیط زیست دارای ویژگی‌های مهمی است که بخشی از مهمترین آنها عبارتند از: جامع‌نگری، رعایت پایداری سرزمینی، دارای رسانه‌های زیست‌محیطی با نقش فعال، تعامل فزاینده و مثبت دولت و نهادهای مدنی و افزایش رضایتمندی اجتماعی.
- **اهمیت تغییر نگاه زیست محیطی مردم؛ توجه به آموزش همگانی:** در ایران به محیط‌زیست به‌عنوان منبع ذی‌حیات نگاه نشده است و جامعه هم به این نتیجه نرسیده که باید نگاهش را به محیط‌زیست و حفاظت از آن تغییر دهد، شاید دلیل این بی‌تفاوتی نسبت به محیط‌زیست، پهناور بودن و تنوع منابع محیط‌زیستی در کشور است اما واقعیت این است که باید زنگ هشدار چالش‌های زیست‌محیطی به صدا درآید و مانع ادامه یافتن تخریب محیط‌زیست شویم. باید آگاهی مردم در خصوص مقابله با تخریب محیط‌زیست افزایش یابد تا بتوانیم به نتایج مؤثری در این زمینه دست یابیم.
- **ضرورت بازنگری در قوانین و برنامه‌ها:** بازنگری در تدوین و تقنین برنامه‌ها، قوانین، دستورالعمل‌ها، اسناد بالا دستی و بخشنامه‌ها گامی مؤثر در جهت رفع مشکلات زیست‌محیطی است. لازم است پالایشی در این حوزه صورت گیرد و با بازنگری در این قوانین و دستورالعمل‌ها، کاستی‌ها و نارسایی‌ها در این بخش رفع شود.
- **توجه به تشکل‌های مردم نهاد محیط‌زیستی و منابع طبیعی:** ما در کشوری زندگی می‌کنیم که محیط زیست آن تخریب شده است. بدین جهت برای اصلاح این وضعیت لازم است از ظرفیت‌های تشکل‌های زیست‌محیطی و نهادهای مردمی استفاده کنیم.



نمای راهبردی

ایران و چالش‌های زیست محیطی

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۱

میز تخصصی: تحلیل مسائل روز

شناسه یکتا: IDG-SV-۱۹۷

